

از لابلای یادداشت‌ها و نیشتهای روزمره ام

حاکمیت فاقد وجهه حقوقی و چگونگی موضعگیری‌های منطقی و جهانی مدعیان نظم چند محوری و بیمه نمودن امنیت ستراتیژیک پیامدهای ستراتیژی "زمین سوخته"

درگیری‌های مسلحانه، خشونت، اضطراب و دلواپسی بیارمی‌آورد
ضرورت قالب‌های فکری آزموده، مدون و علمی
تقابل‌های آشکار و همسویی‌های پنهانی
استخراج تصویر روشن از بطن اطلاعات

حاکمیت قانون بمتابیه قاعده کلی در حقوق عمومی پذیرفته شده است که بموجب آن قانون چه تصمیمات حکومتی بر بنیاد اصول شناخته شده حقوقی گرفته می‌شوند. از قانون بمتابیه ابزاری بمنظور نظارت حکومت، دغدغه مشترک صاحب‌نظران حوزه‌ها فلسفی، حقوقی و سیاسی بوده است. درسنت حقوقی - سیاسی غرب، حاکمیت قانون در تقابل با حکومت شخصی معنا شده است. براین بنیاد حاکمان باید بر مبنای نظریه مشروط خواهی و در حیطه نظم مبتنی بر قانون اساسی و بشیوه ای رفتار نمایند که رفتار آنها سازگار با قانون اساسی و محدود به رویه‌هایی باشد که عموم مردم از آن مطلع اند. نکته حایز اهمیت در اینجا منشأ قانون است. قانون سبب گرایش‌های مختلف و دارای منشأی گونه‌گونه می‌باشد. بصورت نمونه چنانچه بیان شد، طرفداران حقوق تحقق‌ی یا حقوق وضعی یا حقوق اثباتیتی برآنند که قانون اراده حاکم است و چیزی والاتر از آن نیست. هرچه حاکم بخواهد قانون است و لازم الاجرا. اما طرفداران مکتب حقوق طبیعی برآنند که برخی از حقوق لاینفک برای انسان بواسطه انسان بودنش وجود دارد که بر تمامی حکام حاکم است و وظیفه اصلی حاکم کشف این مقررات و اجرای آن است. در دوران معاصر، اثر این نظر را در ایجاد حقوق بشر جهانی می‌توان یافت یعنی حداقل قواعدی کانسان امروزی بواسطه انسان بودنش دارد مانند آنکه شهروندان باید از بازداشت خودسرانه و تفتیش بی دلیل منازل یا مصادره اموال شان در امان باشند. شهروندان را نمی‌توان باجبار و ادار بشهادت برضد خود شان نمود. این اصل، از شهروندان در برابر اعمال فشار، سواستفاده یا شکنجه حمایت می‌کند. و اقدام پولیس را به چنین رفتارهایی بشدت کاهش می‌دهد.

اینک از تصرف قدرت توسط "طالب"ها در کشور عزیز ما در حدود یکسال و نیم سپری می‌گردد. اما بنیاد حقوقی حاکمیت آنها تاکنون واضح و مشخص نگردیده و همچنان مسأله ایجاد و تشکیل "حکومت فراگیر" نه تنها درهاله ای از ابهام قرار گرفته و حتا می‌توان گفت کاصلن فراموش گردیده است. در وضعیت کنونی و شرایط حاضر، آن‌عه از کشورهای منطقه که در امر پیروزی و بقدرت رسیدن "طالب"ها نقش مؤثر و قابل ذکری ایفا نموده بودند، یکی پس از دیگری در موضعگیری‌های شان در مورد قضایای کشور ما تجدید نظر بعمل می‌آورند، چه قبل از همه، نا توانی "طالب"ها در مهار "دولت اسلامی" و ایجاد عرصه‌های مساعد بمنظور انجام مانور برای گروه‌بندی‌های دیگر، از جمله "تحریک طالب‌های پاکستان"، نگرانی گسترده ای را در مجموع کشورهای منطقه بیار آورده است. میزان نگرانی کشورهای منطقه، بویژه در چهارمین نشست مشورتی مسکو در مورد کشور ما بوضوح بمشاهده رسید. سایر شرکت کننده‌های نشست یادشده، از جمله پاکستان، در مجموع، نحوه عملکردهای "طالب"ها را بویژه در امتداد زمانی یک سال و نیم پسین مورد انتقاد قرار دادند. بیش از همه موارد، نارضایتی کشورهای منطقه و

جامعه جهانی از موضعگیریهای "طالب" ها بویژه در امتداد زمانی یک سال ونیم پسین حاکمیت آنها از جمله دلایل عدم دعوت آنها به نشست یادشده بشمار آمد. کشورهای شرکت کننده در چهارمین نشست مسکو، نگرانی های شان را عمدتاً در موارد دوگانه یعنی گسترش تهدیدهایی بارتباط برخورد وموضعگیری خشن "طالب" ها در قبال بانوان کشورواقلیتهای مذهبی - قومی وچگونگی پایه گذاری حاکمیت فراگیر در افغانستان، نگرانی شان را بویژه از نحوه وچگونگی عملکرد"طالب" ها دربخش های یادشده ابراز نمودند. تعدادی از حکومتهای کشورهای منطقه، درامر سرنگونی رژیم برهبری اشرف غنی و برگشت مجدد "طالب" ها بقدرت درافغانستان، سهم شان را دربخش ها وموارد دوگانه ذکرشده ادا نمودند. گشایش و آغاز مذاکرات و انجام ملاقات های منطوقی تحت عنوان "بمنظورصلح" و دعوت نماینده های "طالب" ها بمنظور شرکت در کارآن و همچنان دفاع و پشتیبانی از حرکت "طالب" ها توسط برخی ازکشورها وایفای نقش قابل توجه آنها در موارد یادشده، بخودی خود، سبب سازارتقای روحیه جنگی آنها شده وزمینه های فروریزی رژیم برهبری اشرف غنی را بیش از پیش فراهم نمود. زمانی که "طالب" ها بکابل برگشتند، دولت های غربی و سازمان های بین المللی به یکبارگی شهر کابل را ترک نمودند. ولی روسیه، چین، پاکستان، ایران و برخی از کشورهای منطقه، بحضور دیپلماتیک شان در کابل و به تداوم همکاری های تنگاتنگ شان با "طالب" ها همچنان ادامه دادند. سفارت خانه های افغانستان در مسکو، پکن، تهران و اسلام آباد عملن تحت اداره و اختیار "طالب" ها قرار گرفت. برخی از کشورهای منطقه از اصل برسمیت شناختن "طالب" ها بگونه ایی حمایت وپشتیبانی بعمل آوردند. اما مدت یکسال و نیم، بگمان اغلب که مدت زمان کافی ولازمی برای درک این واقعیت می باشد که "طالب" ها نه تنها از ظرفیت انجام وایفای نقش رهبری کشور، بلکه حتا از همکاری با کشورهای منطقه نیز عاجز و ناتوان می باشند. تداوم سیاست های سختگیرانه با انجام شیوه های مورد نظر "طالب" ها بگمان اغلب، درمجموع برای کشورهای همجوار و منطقه، زنگ های خطر را بصدأ درمی آورد. برخی ازکشورهای منطقه درامرسرنگونی جمهوری برهبری اشرف غنی وپازگشت "طالب" ها به قدرت امیدواربودند. ملاقات های منطوقی تحت عنوان "بمنظورصلح" گشایش یافته ونماینده های "طالب" ها بمنظور شرکت و سهمگیری در کار آن دعوت شده و پشتیبانی شان را ازگروه یادشده اعلام نمودند. حکومت ها و دولت های کشورهای منطقه امیدوار بودند تا "طالب" ها را در موارد مشخصی علیه عملکردها و تحركات "داعش" بمنظور عقب راندن جنبش اسلامی در آسیای مرکزی و وارد نمودن فشاربه "طالب" های پاکستانی بهدفع انجام معامله وسازش با اردوی پاکستان متقاعد نمایند. اما انتظارات یادشده بگونه کلی، نتایج معکوسی را بدنیال داشت. انتقال مراکز نظامی وجنگی و نفوذ تروریست ها بداخل سرزمین و قلمرو کشور عزیزما افغانستان وسعت یافته وهمچنان بر بنیاد گزارش ها و اظهارات کارشنا سان غربی، شاخه افغانی "دولت اسلامی" از امکانات انجام عملیات برون مرزی نیز برخوردار گردید. چه، با بقدرت رسیدن "طالب" ها در کابل، عملکردهای گروهبندی "تحریک طالب های پاکستان" تحرك بیشتری حاصل نموده و در نتیجه، تلفات بیشتری باردوی پاکستان نیز وارد نمودند. نظامیان پاکستانی نیز انجام عملیات گسترده نظامی را علیه تحریک یادشده سازماندهی نموده و براه انداختند. در امتداد ماهای پسین، بیشترین تعداد فرماندهان "طالب" های پاکستانی در سرزمین کشورما سر به نیست گردیدند. "طالب" های پاکستانی در پاسخ، به تشدید اقداماتی در امتداد خط فرضی "دیورند" در ایالت خیبر پختونخواه مبادرت ورزیدند که در نتیجه، بتعداد شش تن از کارمندان استخباراتی ودوتن از نظامیان مرزی پاکستان بهلاکت رسیدند.

پاکستان بنوبه خویش، "طالب" های افغان را در امر پشتیبانی از "طالب" های پاکستانی متهم می نماید. بر بنیاد گزارش هایی، عده ایی از رهبران "طالب" های پاکستانی نیز در افغانستان تحت حاکمیت "طالب" ها پناهنده شده اند که چنین وضعیتی، اسباب خشم اسلام آباد را فراهم نمود. با توجه به تکوین تغییرات و تحولات در منطقه و همچنان تداوم حملات جنگجویان، وزیر امور خارجه پاکستان در صدد بازنگری موضعگیری های دولت پاکستان در قبال "طالب" ها گردید. نامبرده اظهار نمود که کاسه صبر جهان در مورد "طالب" ها در حال لبریز شدن است. وی همچنان ادامه داده افزود که کشورش به تنهایی در مورد برسمیت شناختن "طالب" ها عجله نخواهد نمود. در امتداد یکسال، گروه های معدودی از "طالب" های مسلح، علیه محافظان مرزی پاکستان، حملاتی را سازماندهی واجرا نمودند. آخرین مورد به ۲۷ ماه عقب سالروان در حالی اتفاق افتاد که "طالب" های افغان در امتداد مرزدر ولایت پکتیا، با نظامیان پاکستانی به درگیریهایی متوسل گردیدند. قبل از آن نیز جنگجویان "طالب" ها بر بسیاری

از نظامیان پاکستانی در مناطق مرزی واقع در سپین بولدک ولایت کندهار بآتش باری متوسل گردیدند که سبب مسدود شدن موقتی گذرگاه مرزی "چمن" گردید.

وضعیت اینچنینی و اوضاع یادشده سبب گردید تا برخی ها خواستار بازنگری به نگاه "عمق ستراتیژیک" پاکستان در قبال کشورما گردند. همچنان در روزنامه "داون" پاکستان تذکر بعمل آمده که سیاست یادشده و تداوم نگاه پاکستان با اوضاع کنونی و تعقیب سیاست "عمق ستراتیژیک" در قبال افغانستان، در مجموع برای پاکستان نهایت گران تمام شد.

با فرا خواندن نظامیان امریکایی از اراضی متعلق بکشورما و با رویکار آمدن "طالب" ها در کابل، مناسبات و روا بط تجاری و حمل و نقل میان کشورما با پاکستان به نازلترین سطح رسیده و تقلیل قابل ملاحظه ای در آن رونما گردید. در اوضاع و احوال کنونی، پاکستان با بحران بیسابقه اقتصادی مواجه می باشد. ارزش روپیه پاکستان در قبال اسعار خارجی در نازلترین سطح قرار دارد. بسیاری ها، موجودیت وضع بحرانی کنونی در آن کشور را نتیجه مستقیم تغییرات و چگونگی وضعیت در کشورما می پندارند.

برخی از دول کشورهای منطقه از تمایل "طالب" ها بمنظور نزدیک شدن بامریکا عصبانی می باشند، چون همه باین نتیجه رسیده و باین واقعیت معترف اند که در کنار عوامل و اسباب دیگر، مجموعه غرب برهبری ایالات متحده و بر بنیاد برنامه ها و طرح های تدوین شده توسط هم پیمانان ناتوی آن کشور بمنظور تداوم بی ثباتی در کشور عزیز ما افغانستان، کلیه وسایل را بکار گرفته و همچنان در این مسیر کوشا می باشند. در شرایط و وضعیت حاضر، ایالات متحده و هم پیمانانش بتداوم بازی های ژئوپولیتیک بویژه در مناطق مرزی به هدف تشدید بی ثباتی کشورما مبادرت می ورزند. در داخل افغانستان، سایر شهروندان کشور از چگونگی سیاست ها و موضعگیریهای "طالب" ها در قبال باتوان کشور و مذاهب دیگر و اقلیت های مذهبی - قومی، عمیقن نگران می باشند. برخی از کشورها از چگونگی ریشه گیری و وسعت و گسترش تشدد گرای شددین نا امید شده اند. "طالب" ها اصلن قادر بر ارائه پاسخی در همه موارد یادشده نمی باشند.

تغییر مواضع و نحوه موقف کشورهای منطقه، بخودی خود، "طالب" ها را از امتیاز برسمیت شناختن توسط جامعه جهانی محروم می نماید. "طالب" ها در امر ایجاد و برقراری مناسبات با روسیه، چین، پاکستان و ایران حساب باز نمودند. اما کشورهای یادشده، در نتیجه نشست پسین در مسکو، مسأله برسمیت شناختن "طالب" ها را اصلن مورد تردید قرار دادند. سیاست و موضعگیری غرب در قبال "طالب" ها قابل فهم می باشد. بدون تشکیل و موجودیت حاکمیت فراگیر که بازتاب دهنده سهم بانوان، قبایل، گروه های مذهبی و سیاسی باشد، اصلن صحبتی در مورد برسمیت شناختن "طالب" ها نمی تواند مطرح بحث باشد. در عمل، "طالب" ها در وضعیت کنونی در انزوای جهانی قرار دارند. اما با وجود اینهمه، بنظر نمی رسد که رهبران "طالب" ها در سیاست های سختگیرانه خویش تجدید نظر نمایند.

شنبه ۱۲ ماه قوس سال ۱۴۰۱ خورشیدی برابر با ۳ ماه دسامبر سال ۲۰۲۲ ترسایی